

نویسنده: خلیل یوسف حرب «Khalil Y, Harb»

منبع و تاریخ نشر: کریدل «2024-04-23»

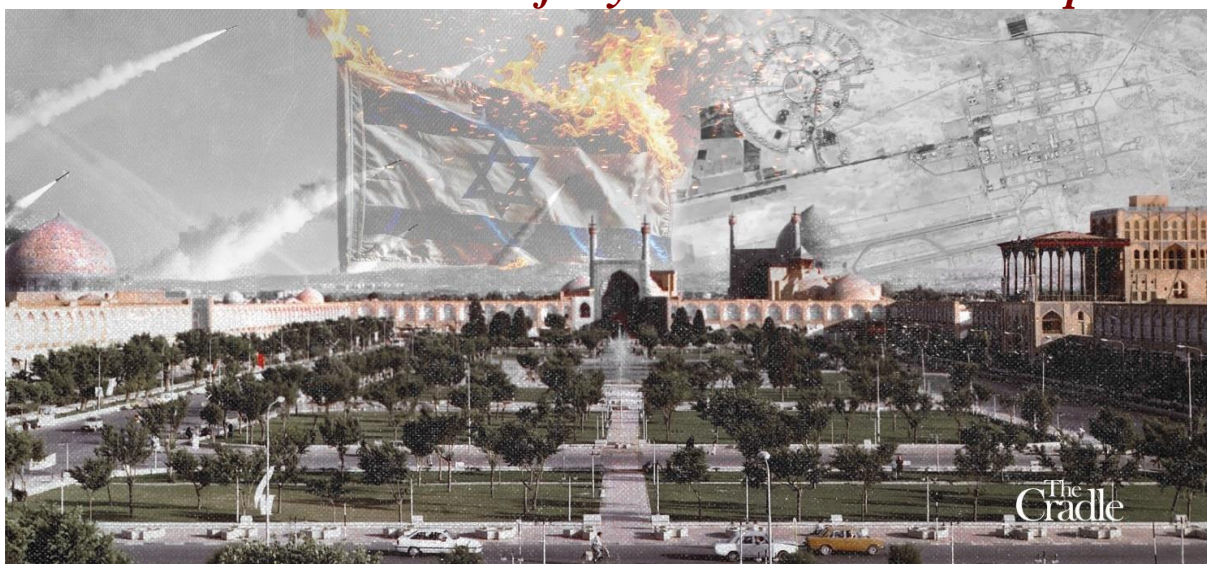
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

حادثه اصفهان»: میخی بر تابوت اسرائیل

The 'Isfahan incident': a nail in Israel's coffin

مقابله نظامی شدید تل‌آویو با حمله نظامی ایران در 13 آوریل، دهه‌ها موقعیت بازدارندگی اسرائیل را که به دقت پرورش داده شده بود، نابود کرد.

Tel Aviv's underwhelming military counter to Iran's 13 April military strike has destroyed decades of Israel's carefully cultivated deterrence posture



حملات ایران برحسب اجرای «عملیات از قبل وعده داده شده» به درستی و واقعی در «13» ماه اپریل، زخم‌های عمیقی را که اسرائیل در حمله 7 اکتبر توسط حماس متحمل شده بود، آن زخمها را دوباره گشوده است. در حالی که عملیات سیل الاقصی حباب امنیتی کشور اشغالگر را در هسته آن به لرزه درآورد، آن همان یک شب بود که موشک‌ها و پهپادهای ایرانی، اسرائیلی‌ها را مجبور کردند که حتی ذره‌ای از موقعیت

بازدارندگی معروف خود یا که قسمت های از محلات و موقیعت های مهم خود را از اصابت موشک های پرتاب شده ای تهران حفظ کنند.

این وضعیت جدید منطقه است. یاکه این تحلیل از وضعیت جدید منطقه ای است از اینکه حمله اسرار آمیز اسرائیل به اصفهان هیچ کاری برای متزلزل کردن اعتماد ایران انجام نداده است. البته که به طور خلاصه، در تقابل با ادعایی اسرائیل این دیدگاه منطقه ای را - حداقل از نظر نظامی - میتوان مجدداً تأیید کرد که تهران تل آویو را به اصطلاح در تخته شطرنج مات کرد و به این سان قوانین تعامل را باز نویسی کرده است.

پس از سالها تحریک و تفتین که توسط دولت اسرائیل بکار برده میشد، این اولین بار در تاریخ ایران است، که ایران حمله مستقیمی را علیه اسرائیل آغاز کرده است و با اطمینان ادعا می کند که تنها بخشی از توانایی های نظامی خود را به کار گرفته است - البته قابل تذکر است که موشک های بکار گرفته شده در این عملیات همان موشک های اندک بسیاری از این موشک های «منسوخ» در زرادخانه به سرعت در حال تکامل خود بودند یعنی که در حال از نابکار گیری خود قرار داشتند.

ایران در این عملیات تهاجمی مستقیم خود پایگاه های هوایی کلیدی **نواتیم** و **رامون** اسرائیل را دقیقاً تحت هدف قرار داد، علی رغم نمایش خیره کننده چراغ های انفجار های رهگیری شده که آسمان را روشن می کرد. خیلی ها، سریعاً قضاوت کردند، که این حمله عظیم نشانه حمله استراتژیک گسترده تر اتحاد جبهه ها - اتحاد مقاومت که معضلی یا جاروجنگالی چند جانبه برای تل آویو ایجاد می کند - با هدف ویران کردن اسرائیل در یک ضربه، به اشتباه تفسیر کردند.

یک سیلی به سروصورت

در واقع، ایران این عملیات را به تنهایی انجام داد، که این «سیلی» محکم جدیدت ایران را بیش از پیش قابل توجه می کند.

ایران در شب حمله موشکی همچنین محدودیت های صبر و شکیبایی طولانی مدت اش را تغییر داد یعنی که راهبردی یا استراتژی تهران از احتیاط به تهاجم حساب شده را نشان داد که نیاز به عدم مداخله یا جلوگیری از تهاجم سه قدرت هسته ای غربی و "برگ انجیر عربی" یا (پنهان کردن عمل شرم آور) اردن را در مقابله با این حمله ضروری کرد. یعنی که موقف های سیاسی آنها را برای جهان بر ملا کرد.

ایرانی ها از اقدامات نظامی خود با بیانیتهای عمومی حمایت کردند و تصاویری از فرماندهان خود را که عملیات را تنظیم می کردند به اشتراک گذاشتند. در مقابل، پاسخ یا واکنش اسرائیل به وقایع اصفهان مبهم و ضعیف بود و تنها اطلاعات پراکنده ای به مطبوعات ایالات متحده و اسرائیل درز کرد که یک تلاشی ضعیف برای حل و فصل این موضوع بود.

حسین امیر عبداللہیان، وزیر امور خارجه ایران در مصاحبه با NBC News، واکنش اسرائیل را به سخره یا به تمسخر گرفت و در آن پهنادهای اسرائیلی را بی اهمیت خواند و آنها را به «اسباب بازی‌هایی که بچه‌های ما با آن بازی می‌کنند» تشبیه کرد

بازگشت «مضحک اسرائیل»

در حال حاضر پیشخوان ضد نظامی اسرائیل به طور گسترده به عنوان یک پیشخوان احمقانه تلقی می‌شود که حتی در داخل خود اسرائیل توسط شخصیت‌هایی مانند وزیر امنیت ملی **ایتا مار بن گویر** که آن را "مضحک" توصیف می‌کند، مورد تمسخر قرار می‌گیرد. علیرغم وجود زرادخانه نظامی مهیب تل‌آویو که شامل تسلیحات هسته‌ای اعلام نشده و موقعیت تاریخی آن به عنوان یک متحد غربی قابل اعتماد در منطقه است، رویدادهای «13» اپریل آسیب‌پذیری‌های گسترده‌ای را در توانایی تل‌آویو در پاسخ به تهدیدات معتبر به ویژه از سوی ایران آشکار کرده است. این ناکارآمدی اسرائیل در میان نمادگرایی اصفهان - محل تاسیس تاسیسات هسته‌ای نطنز ایران - که بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر، که مدت‌هاست خود را به عنوان یک نیرومند در برابر جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران معرفی می‌کرد، به‌طور غیر مشخصی منفعل به نظر می‌رسید، برجسته شد.

فقدان پاسخ ملموس نخست‌وزیر اسرائیل، انحراف از هذل‌گویی همیشگی او بود، و تصویری از اسرائیل را به عنوان نآآماده و مردد ترسیم می‌کرد - به جای مقابله، عقب‌نشینی می‌کرد.

علاوه بر این، برنامه هسته‌ای ایران به طور متناقضی نیز به عنوان ابزاری قدرتمند در زرادخانه راهبردی تهران ظاهر شده است. هشدار صریح جمهوری اسلامی در مورد بازنگری احتمالی دکتربین هسته‌ای خود در پاسخ به تهدید فزاینده اسرائیل حاکی از یک موضع جسورانه جدید، علی‌رغم فتوای رهبر معظم انقلاب علی‌خامنه‌ای (فرمان اسلامی) علیه سلاح‌های هسته‌ای است. آیا بازدارندگی اسرائیل مرده است؟

حادثه اصفهان نتوانست موقعیت بازدارندگی اسرائیل را که از زمان سیل الاقصی در حال فرسایش بوده و با عملیات حزب‌الله در شمال و وعده واقعی ایران تضعیف شده است، تقویت کند. این وقایع عمیقاً بر روان اسرائیل تأثیر گذاشته و احساس امنیت اساسی را که زیربنای دیدگاه صهیونیستی در مورد «دولت امن یهودی» تأسیس شده در سرزمین فلسطین است، به چالش می‌کشد. در برابر این پس‌زمینه، قواعد متعارف تعامل که مدت‌هاست بر تعاملات منطقه‌ای حاکم بوده، دوباره ارزیابی می‌شوند. تحرکات جسورانه ایران - علیرغم هشدارهای ایالات متحده و اسرائیل - نشان‌دهنده یک تغییر مجدد در پویایی قدرت است که نشان‌دهنده یک دوره بالقوه دگرگون‌کننده در ژئوپلیتیک غرب آسیا است.

پاسخ اسرائیل چه در حال حاضر و چه در آینده، اکنون باید احتمال تشکیل یک جبهه متحد از محور مقاومت را در صورت تمایل به تشدید بیشتر در نظر بگیرد. این امر لایه‌ای از پیچیدگی را به هر گونه برنامه‌ریزی نظامی علیه ایران اضافه می‌کند و احتمالاً اسرائیل را وادار می‌کند تا به رویکرد مشخص خود در عملیات مخفی بازگردد. اینها ممکن است شامل خرابکاری یا ترورهای هدفمند متناسب به عوامل محلی باشد تا حملات مستقیم نظامی.

در همین حال، ایالات متحده، در میان مسائل سیاسی داخلی خود و انتخابات آتی در ماه نوامبر، احتمالاً نقشی دوگانه ایفا خواهد کرد. این کشور اقدامات متحد خود را از نزدیک زیر نظر خواهد گرفت و در عین حال تلاش می‌کند تا تنش‌های منطقه‌ای را تعدیل کند تا از تشدید قابل توجهی که می‌تواند منافع استراتژیک گسترده‌تر خود را بی‌ثبات کند، جلوگیری می‌کند.

نقطه ای بی بازگشت

امروز، این ایران - نه آمریکا، نه اسرائیل، و قطعاً نه حمله اصفهان - است که موازنه منطقه‌ای را، حتی به طور موقت، در انتظار تبلور قوانین جدید تعامل، تثبیت کرده است.

حمله متقابل تل‌آویو تلاش زیادی کرد تا احتمال هرگونه اقدام تلافی جویانه بیشتر ایران را کاهش دهد - به ویژه اینکه اقدام بعدی تهران احتمالاً بدون هشدار انجام می‌شود، موشک‌های برتر ایران و احتمالاً بسیج متحدان ایرانی به سمت مرزهای اسرائیل را شامل می‌شود.

محور مقاومت خوشحال بود که به متحد ایرانی خود اجازه داد تا در 13 آوریل در مرکز صحنه قرار گیرد و انتقام دقیقی از بمباران اشتباه محاسباتی اسرائیل در 1 آوریل به نمایندگی دیپلماتیک ایران در دمشق بگیرد. هرگونه حرکت جسورانه بیشتر از تل‌آویو تضمین می‌کند که محور در هر جبهه برای ازدحام اسرائیل فعال می‌شود. بنابراین، در حال حاضر، تل‌آویو جرأت نمی‌کند امنیت ایران را مستقیماً به خطر بیندازد، و در عوض خشم ناتوان خود را به سمت رفح آسیب‌پذیر، جایی که بیش از یک میلیون غیرنظامی فلسطینی بدون غذا، سرپناه و آب‌گیر افتاده‌اند، معطوف کند.

رسانه‌های عبری در حال حاضر با تمام ارزش خود می‌چرخند و «دستاوردهای» تل‌آویو از نشان دادن خویشتن‌داری علیه ایران را ترویج می‌کنند - چه از وتوی هفته گذشته شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد یک کشور فلسطینی یا بسته کمکی ۲۶ میلیارد دلاری که کنگره آمریکا به تازگی به اسرائیل تصویب کرده است. یا جلب حمایت کاخ سفید برای تهاجم ارتش اشغالگر به رفح.

دکتر حسین الموسوی، سخنگوی جنبش نجباء عراق، به کریدل می گوید که اسرائیل در واقع یک چک سفید برای رفتار بد از واشنگتن دریافت کرده است:

جای تعجب نیست که ایالات متحده بدون توجه به نقض هنجارهای بین المللی از اسرائیل حمایت می کند و از آن دفاع می کند و این بدون شک باعث شرمساری دولت عراق می شود که به دنبال اتخاذ موضعی روشن در قبال حضور نظامی آمریکا در عراق است.

به این دلایل و با بسیاری دلایل دیگر، رهبران اسرائیل اکنون کاملاً آگاه هستند که هرگونه اقدام تهاجمی آشکار در فضای ژئوپلیتیک کنونی مورد توجه قرار نخواهد گرفت. منطقه درگیر چیزی است که می توان آن را «جنگ کوچک بین المللی-منطقه ای» توصیف کرد که با شعله ورهای متناوب و دوره هایی از آرامش نسبی مشخص می شود.

وعده واقعی، درست مانند سیل الاقصی قبل از آن، آماده است در تاریخ به عنوان لحظه ای محوری، شاید حتی پایانی، برای تاریخ مختصر کشور اشغالگر اسرائیل ثبت شود، کشوری که اکنون خود را بیش از هر زمان دیگری منزوی می بیند و با بحرانی فزاینده نامشخص در آینده مواجه است.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

خلیل یوسف حرب به سید احمد و ابومصطفی نیز معروف است. او در 9 اکتبر 1958 به دنیا آمد. گمان می رود در سوریه یا یمن باشد. او مشاور نزدیک دبیرکل حسن نصرالله است که رهبری گروه تروریستی حزب الله لبنان را بر عهده دارد. او به عنوان رابط نظامی ارشد این گروه با سازمان های تروریستی ایران و فلسطین خدمت کرده است. او فرماندهی و نظارت بر عملیات نظامی این سازمان در اراضی فلسطین و چندین کشور در سراسر خاورمیانه را بر عهده داشته است. از سال 2012، او در انتقال مقادیر زیادی ارز به متحدان سیاسی حزب الله در یمن شرکت داشته است. وزارت دادگستری ایالات متحده 5 میلیون دلار برای اطلاعاتی که منجر به دستگیری او شود، پیشنهاد کرده است.



خلیل یوسف حرب

----- با تقدیم احترامات «2024-04-24» -----